

در امپراتوری ساسانی، دین حکومتی زرتشتی تعیین کننده رابطه بین زن و مرد بود. این روابط شامل نقش زن و مرد، رسوم ازدواج و حقوق زنان در جامعه می‌شد.<sup>[۱]</sup> اصول اخلاقی، ساختار زندگی زناشویی و رسوم اجتماعی ساسانیان، توسط متون مذهبی و قوانین زمان تعیین می‌شدند. زنان گرچه از حقوق اجتماعی همچون صاحب ملک بودن بهرمنند بودند ولی این امتیازات بسته به طبقه اجتماعی زن داشت (ممتاز، تحت انقیاد، یا مستقل).<sup>[۲]</sup> پیش از اینکه اعراب مسلمان ایران را فتح کنند، محققان زنان ایران در شرف تحصیل حقوق و استقلال خود بوده‌اند.<sup>[۳]</sup>

وضعیت قانونی و اجتماعی دوره **ساسانیان** مبنی بر احکام **زند** و **اوستا** بود. **چند زنی** نیز وجود داشت البته در عمل مردان کم‌بضاعت به طور کلی بیش از یک زن نداشتند. در این دوران رییس خانه (= کدگ خودای) از حق ریاست دودمان بهره‌مند بود.<sup>[۴]</sup>

### حقوق زنان بواسطه شواهد باستان شناختی در جامعه ساسانی [ویرایش]

نابرابری میان زنان به عنوان جنس دوم و مردان به عنوان جنس اول، از آغاز عصر تمدن تا قرن بیستم و به تعبیر برخی تا امروز وجود داشته و دارد. با اینحال نگاهی به حضور زنان در عصر ساسانی نشان می‌دهد که سیر نزولی جایگاه زن در تمدن ایرانی، در دورهٔ ساسانی معکوس شده و سیر صعودی یافته و با پایان عصر ساسانی، دوباره نزولی شده است.<sup>[۵]</sup> حضور زنان در شواهد برجای مانده ازین دوران شاهدهی بر این حقیقت است. در یک پژوهش، در ۸۰ نمونه بررسی شده قطعات گچبری، موزاییک، ظروف زرین و سیمین، نقش برجسته‌ها، مهرها و نگین‌ها در ۱۹ مورد (۲۳٫۷۵٪) زنان ظاهر شده‌اند. در ۱۱ مورد در کنار مردان (۵۷٫۸۹٪) و تنها در ۸ مورد (۴۲٫۱٪) به تنهایی و مستقل نمایش داده شده‌اند.<sup>[۶]</sup> این در حالی است که پیش از این دوره، هرگز همین حضور پررنگ را نیز در آثار هنری ایران نداریم.<sup>[۷]</sup> اگرچه در ۵ مورد از ۳۴ (۱۴٫۷٪) نقش برجسته ساسانی زنان (آنهم در کنار مردان) به تصویر کشیده شده‌اند.<sup>[۸]</sup> ولی همین حضور هم در دوره‌های پیش از ساسانی، وجود ندارد.<sup>[۹]</sup>

"مراسم اعطای قدرت و دیهیم بخشی به ملکه‌ها در هنر ساسانی پدیده‌ای ناشناخته است"<sup>[۱۰]</sup> ولی باید توجه داشت که این پدیده در کل تاریخ ایران تا عصر حاضر، غایب است. سایر پدیده‌های مربوط به زنان، کاملاً یکسان با دیگر سرزمین‌ها در همان عصر است؛ که همیشه و همه جا، زن جنس دوم در نظر گرفته شده است.<sup>[۱۱]</sup>

### زنان در متون حقوقی [ویرایش]

نگاهی به کتاب‌های دوران ساسانی، نشان از دو اصل بنیادین در موضوع زن بوده است. نخست اهمیت زن و مدون‌بودن همه شئون و حقوق مرتبط با او به گونه‌ای که سلیقه‌ها را به کمترین حد ممکن تنزل می‌دهد. دوم جایگاه ثانوی زن به نسبت مرد؛ به گونه‌ای که هرگز نه از آن بالاتر و نه هم‌رده با آن قرار می‌گیرد. اوستا ویژگی‌های زن مطلوب را این چنین برشمرده شده است: "زن جوان درست گوهر، استوار، نیکنام، خوش‌خیم، خانه‌افروز که شرم و بیمش نیک و پدر و نیا و سالار خویش را دوست بدارد و زیبا و خوش‌اندام است بر زنان همال خویش رد است."<sup>[۱۲]</sup> در گات‌های زرتشت و دیگر بخش‌های اوستا، همواره به زن و مرد هم‌زمان و برابر با یک اشاره شده است و در کتاب‌های تفسیری نیز نمونه‌ای نداریم که زن نادیده انگاشته شده باشد. زن پس از اینکه به خانه شوهر می‌رفت تمام پیوندهای قانونی اش با خانواده قبلی‌اش بریده می‌شد. فرزندان که از این ازدواج پدید می‌آمدند نام، ثروت و مرتبه اجتماعی پدر را به عنوان اخلاف قانونی او به ارث می‌بردند.<sup>[۱۳]</sup> (موضوع دیگری که در قانون ساسانی شرح زیادی درباره آن داده

شده است، مسئله قیمومیت صغیران و زنان و خانواده‌های بدون اعضای مذکر بود. <sup>[۱۴]</sup> گماردن یک قیم، همواره وظیفه اعضای مذکر خانواده یا تیره بود و این قیم معمولاً مرد بود. <sup>[۱۵]</sup> پس از فوت شوهر قیم زن بزرگ‌ترین پسر بالغ او یا در صورتی که پسر نداشت نزدیک‌ترین خویشاوند مذکر شوهرش بود. <sup>[۱۶]</sup> زن در ایران ساسانی از حق مالکیت درست همچو مرد برخوردار بود. به گونه‌ای که به هنگام جدایی از همسر (البته با اجازه مرد) و ازدواج با مرد دیگر، دارایی‌های منسوب به او از شوهر نخست ستانده می‌شد. حضانت فرزندان نیز با مرد بود که می‌توانست آن را به شوهر نوین زن بدهد. <sup>[۱۷]</sup> انسان‌شناسان معتقدند <sup>[۱۸]</sup> چندشوهری در فرهنگ‌هایی رواج دارد که زندگی در آن‌ها دشوار است زمین کمیاب است و داشتن یک همسر در واقع یک نوع بار اقتصادی به شمار می‌آید. <sup>[۱۹]</sup> در مورد جامعه ایران در عصر ساسانی شاید بتوان این نتیجه را عنوان کرد که از طریق چندشوهری زن و تولد فرزند پسری که جانشین قانونی مرد محسوب می‌شد، امکان حفظ دارایی‌ها و اموال تضمین می‌شد. <sup>[۲۰]</sup>

طبقات دوران ساسانی بنا بر اوستا عبارت بودند از روحانیون، ارتشتاران، واستریوشان (گله‌داران و کشاورزان) و دیوانسالاران. <sup>[۲۱]</sup> این طبقات اجتماعی آشکارا گروه‌هایی مردانه‌اند. با توجه به اینکه همه اوستاشناسان همداستان‌اند که اوستا در ۱۲۰۰ تا ۴۰۰ پیش از میلاد نگاشته شده و تنها بر سر مکتوب‌شدن آن با دبیره کنونی‌اش - دین دبیره - در دوران ساسانی بحث شده، بدیهی است که این طبقات و تدوین این نظام مردسالارانه دینی، دست کم نیم‌هزاره پیش از ساسانیان وجود داشته است. با این همه باید اذعان کرد که در کتاب‌های زند و تفسیر که همه در دوره ساسانی نگاشته شده‌اند، همین نگاه مردانه به جامعه کاملاً بازتعریف و سامان‌مند شده است. از جمله در کتاب پهلوی شایست ناشایست چهار درجه مهتری تشخیص داده شده است: <sup>[۲۲]</sup> «خانه خدا (مرد خانه)، کدخدا (مرد روستا) و ایلخان (مرد قبیله)، فرمانروا (مرد کشور)». <sup>[۲۳]</sup> آثار دینی دوره ساسانی در نگاه به زن و مرد کاملاً هم‌دست نیستند. برای نمونه با اینکه همه جا گفته شده است که مجرد بودن و دوری از همسرگزینی، در فرهنگ زرتشتی دوره ساسانی بزرگ‌ترین گناه و حتی جرم به شمار می‌رفته است ولی نویسنده کتاب شایست نشایست می‌نویسد، زن شوهر نکرده گناهکار است و نه مرد بی‌زن. در متن پهلوی خسرو و ریدگ، زمانی که خسرو از خوش آرزو در مورد زنان می‌پرسد وی چنین جواب می‌دهد: <sup>[۲۴]</sup> «بهترین زن آن است که پیوسته در اندیشه عشق و محبت به مرد باشد اما از حیث اندام و هیئت نیکوترین زنان کسی است که بالای میانه و سینه فراخ و سر و سرین و گردنی خوش ساخت و پاهایی خُرد و کمری باریک و کف پایی مقعر و انگشتانی کشیده و تنی نرم و استوار دارد. باید که سینه‌اش چون به، ناخنش چون برف سپید، رنگش سرخ چون انار و چشمش بادامی و نرم مانند کرک بره و ابروانش چون کمان و دندان‌هایش سفید و ظریف و گیسوانش سیاه مایل به سرخی و بلند و هرگز گستاخ سخن نراند. <sup>[۲۵]</sup> تاکنون نمونه‌ای از اعمال خشونت فیزیکی مردان علیه زنان مشخص نشده است. به نظر می‌رسد کنترل زنان و اعمال قدرت مردانه به شکلی ظریف و نمادین صورت می‌گیرد، اما به شکلی نیرومند و گسترده تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی این دوران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. <sup>[۲۶]</sup>

بارتولومه می‌نویسد: حتی آموزش علم حقوق در میان زنان عصر ساسانی بیگانه و نامأنوس نبوده است و گمان نمی‌رود که این علاقه به آموزش، در مورد رشته‌های عمومی‌تر و غیراختصاصی‌تر کمتر موجود بوده باشد. زن می‌توانسته است در دادگاه به سود خود اقامه دعوا کند. در موارد فراوانی گزارش شده است که شوهری حق تصرف در بخش معینی از اموال خانوادگی و یا بهای آن را به زن خود واگذار کرده است... در یک مورد جالب دیگر می‌خوانیم که مردی با دو زن قراردادی می‌بندد که یک «شرکت سهامی تجاری» تشکیل دهند و در این شرکت هر یک از سه طرف دارای حقوق برابر باشند. به استثنای حق فسخ قرارداد که برای مرد باقی می‌ماند. از آنچه که منابع و مآخذ با اطمینان خاطر در اختیار ما می‌گذارند، می‌توانید ملاحظه کنید که زن در امپراتوری ساسانی، جدا راه تعالی و استقلال حقوقی خود را می‌پیموده و نیز بخش بزرگی از

این راه را در پشت سر داشته است؛ ولی پیروزی عرب و سرنگونی امپراتوری ساسانی دوباره موجب شد که این کامیابیهای زن، همه یکباره طریق زوال و تباهی در پیش گیرند.<sup>[۲۳]</sup> بیغ نسکصریحا از آموزش زن در فن خانه‌داری بحث می‌کند. با این همه به باور کریستن‌سن زنان خانواده‌های ممتاز آموزش‌های بسیار عمیق در دانش به دست می‌آوردند. این مطلب از کتاب ماتیکان هزار دادستان به دست می‌آید و آن این است: «یکی از دادوران در زمانی که به دادگاه می‌رفت، پنج زن او را در بر گرفتند و یکی از آنها پرسش‌هایی از او نمود درباره برخی از موارد ویژه در بحث گرو و ضمانت. همین که به واپسین پرسش رسید، دادور پاسخی نداشت. آنگاه یکی از زنان گفت: ای استاد، مغزت را از این بابت خسته مکن! و بی‌تعارف بگو نمی‌دانم! به علاوه ما خود پاسخ آن را در تفسیری که مغان اندرزید نوشته است، خواهیم یافت.<sup>[۲۴]</sup>

تورج دریایی، (استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا) با انتقاد از نگاه فمینیستی به تاریخ ساسانی، می‌گوید، با زنان رفتاری جداگانه نباید داشت، چون آنان نیز جزئی از جامعه بودند و بر حسب طبقه‌ای که به آن تعلق داشتند، از همان حقوق و امتیازاتی که آیین زرتشت برای کل جامعه و هر طبقه در نظر می‌گرفت، برخوردار می‌شدند.<sup>[۲۵]</sup>

### رسوم ازدواج [ویرایش]

در جامعه ساسانی، زنان جوان وقتی به سن پانزده و یا گاهی حتی جوانتر می‌رسیدند برای ازدواج آماده محسوب می‌شدند. وظیفه مذهبی پدر این بود که شوهر مناسبی برای دخترش پیدا کند و توصیه می‌شد که شوهر باهوش، با تربیت و صاحب زمین زراعی می‌بود.<sup>[۲۶]</sup> علاوه بر این، وظیفه پدر یا قیم این بود که نماینده عروس در مذاکرات قرارداد ازدواج باشد. این قرارداد، پول و ملکی که به عروس تعلق می‌گرفت را تعیین می‌کرد، و میزان نفوذ شوهر و محدودیت‌هایی که بر زن می‌توانست اعمال کند را مشخص می‌نمود.<sup>[۲۷]</sup>

بارتولومه می‌نویسد: «دختر می‌توانست به پدر و یا قیم خود اظهار دارد که از پذیرش پیشنهاد پیوند زناشویی که خواستگاری به او کرده و پدر موافق است، خودداری خواهد کرد و پدر نیز ناگزیر از پذیرش خواست وی می‌گردید. بدین ترتیب، پدر اجازه نداشت که دختر خود را به زناشویی با کسی مجبور کند و یا حتی هنگام پرهیز دختر از هرگونه زناشویی، پدر نمی‌توانست او را از ارث محروم سازد و یا به وسیله دیگری او را کیفر دهد. در ایران ساسانی کودکان [حاصل از] روابط آزاد را پیک خدایان می‌خوانده‌اند. دختران در صورتی که پدرانشان مانع ازدواج دلخواه آنان می‌گشتند، می‌توانستند به روابط آزاد تن در دهند و در این هنگام کلیه حقوق آنان نیز محفوظ می‌ماند. در مورد این گونه مسایل، مردم دوره ساسانی، کم‌تعصب و دارای سعه صدر و بلندنظری و بینشی بلند بوده‌اند.<sup>[۲۷]</sup>

متون ادبی پس از اسلام و نگاره‌های دوره ساسانی هر دو بر حضور آزادانه زنان در مجالس بزم تاکید دارند.<sup>[۲۸]</sup> زن و شوهر هر دو از حق طلاق برخوردار بودند و برای آنان گواهی طلاق صادر می‌شد.<sup>[۲۹]</sup>

### انواع ازدواج [ویرایش]

#### ممتاز [ویرایش]

#### تحت انقیاد [ویرایش]

#### مستقل [ویرایش]

#### طلاق [ویرایش]

### اطلاعات دیگر در مورد ازدواج [ویرایش]

دین زرتشتی در جامعه ساسانی، همچنین منجر به شیوع ازدواج با جگر گوشه‌ها شد.<sup>[۳۰]</sup> مردان مجاز بودند با دختران، خواهران و مادرشان ازدواج کنند. بلکه این کار زاهدانه و ارزشمند تلقی

می‌شد و در مقابل نیروهای شیطانی ثمر بخش محسوب می‌گردید.<sup>[۱۱]</sup> رهبران مذهبی زمانه، ازدواج درون خانواده را تشویق می‌کردند و مدعی بودند که این مساله به تقلید از خود خلقت است. علاوه بر این، کاهنان ادعا می‌کردند که ازدواج با محارم، "پسران قدرتمند تر و دختران با تقوی تر و فرزندان با کیفیت و کمیت بیشتر تولید می‌کند و به خلوص نژاد و انتشار آن کمک می‌کند."<sup>[۱۲]</sup> این مساله با مقاومت بسیاری روبرو شد که منجر به تغییر مذهب بسیاری به مسیحیت گردید و گفته می‌شود از علت‌های سقوط دین زرتشتی است.<sup>[۱۳]</sup> نکته مورد اشاره دیگر این است که چند همسری به امکانات مرد وابسته بود. در نتیجه میزان چند همسری در قشر فرودست به اندازه قشر ثروتمند نبود چرا که استطاعت آن وجود نداشت.<sup>[۱۴]</sup>

### ایزدبانوان در دوره ساسانی [ویرایش]

در اوستا آناهیتا در تجلیات مادی به صورت دوشیزه‌ای زیبا پیکر و خوش‌اندام بر افراد متجلی می‌شود. در آبان‌یشت که به این الهه اختصاص دارد نام بیش‌تر پهلوانان و شاهان را می‌یابیم که بردرگاه ایزدبانوی نامدار اردویسور آناهید نماز می‌گزارند، قربانی می‌کنند و درخواست می‌کنند.<sup>[۱۵]</sup>

از میان شش امشاسپند یا فرشته یاور اهورا مزدا، سه تای آنها (سپندارمز، خرداد، امرداد) مادینه و سه تای آنها (بهمن، اردیبهشت، شهریور) نر هستند. ایزدان مهمی چون بهرام و تیشتر، نرینه و در برابر آنها اردویسور آناهیتا و ایزد دین مادینه‌اند. اگر میترا را بی جنس بگیریم، باید گفت که برابری جنسی در آیین مزدیسنا متاخر (دوره ساسانی) در هیچ دین دیگری در آن زمان و پس از آن پیشینه نداشت. در اهمیت و نقش ایزدبانو آناهیتا که برخی آن را خدای قومی ساسانیان می‌شمارند، بسیار سخن گفته شده است.<sup>[۱۶]</sup> آناهیتا از حالت ایزدبانوی آب‌ها در عصر نخستین آریایی، در دوران هخامنشی به معادلی برای آفرودیت یونانی و ایشتر بابلی تبدیل می‌شود. در دوره سلوکی (هلنی) نیایشگاه‌های به سبک غیرایرانی در غرب ایران ساخته می‌شود که به حضور خود تا دوران ساسانی ادامه می‌دهد. با این حال به نظر می‌رسد دست‌کم از دوره ساسانی، این نیایشگاه‌ها آن کارکردهای ویژه خود را زیر تاثیر محکومیت اکید و شدید این گناه در دین مزدیسنی، به کل از دست داده و آتشکده‌شدند؛ که مهمترین آنان آتشکده رسمی خاندان اردشیر بابکان یعنی آذر آناهید استخر است. ناهیدکده‌ها در فرهنگ پس از اسلام تغییر کاربری داده و بسیاری از آنان با نام قلعه‌دختر، پل‌دختر یا آرامگاه‌هایی منسوب به زنان و دختران بزرگزاده باقی مانده‌اند. آناهیتا نخستین بار در دوره ساسانی، در زمان نرسه به تصویر کشیده می‌شود. نرسه سنت دریافت دیهیم پادشاهی و فره ایزدی از اورمزد که همیشه به گونه مرد ترسیم می‌شد را ترک گفت و یک زن را جایگزین او کرد. این سنگ‌نگاره شگفت‌آور و پرسش‌برانگیز را کریستین‌سن و دیگر غربیان -و به پیروی از آنان بیش‌تر ایرانیان- به دلیل زن بودن آناهیتا دانسته‌اند. حرکتی که نه تا آن زمان معمول بود و هم پس از آن تکرار شد. می‌توان به آناهیتا بودن این نگاره شک کرد؛ ولی در یک چیز تردید نیست و آن اینکه او به هر روی "یک زن" است. حتی اگر نگاره مرد برسم به دست هاله‌به‌سر در تاق بستان را در پشت سر اردشیر دوم ساسانی، میترا بگیریم (که این در تضاد کامل با میترا در مهریشت اوستاست) این تک اثر بی‌صاحب، به هیچ‌روی با بی‌شمار آثار هنری مربوط به بانوی هم‌اورد او یعنی آناهیتا مقایسه‌پذیر نیست.<sup>[۱۷]</sup> و این در شرایطی است که در همان دوره در هیچ تمدنی، ایزدبانوان از ایزدمردان پیشی نگرفته‌اند.<sup>[۱۸]</sup> ۳۰۰ سال پس از نرسه، این بار در تاق بستان، در سنگ‌نگاره خسرو پرویز، او با اینکه تاج را باز از دستان یک مرد می‌گیرد، ولی این بار یک زن (شاید آناهیتا) در پشت سر او ایستاده و بر پشت پایش آب می‌ریزد.<sup>[۱۹]</sup>

### رشد جایگاه زن در ایران ساسانی [ویرایش]

جامعه ساسانی هم‌چون همه جوامع باستانی متمدن، گروه‌بندی شده بوده است؛ ولی به نظر می‌رسد که مفهوم گروه در این جامعه، نه طبقه عمودی و از بالا به پایین، بلکه افقی، موازی و صنفی بوده باشد. با این حال در ایران ساسانی هم‌چون همه کشورهای متمدن جهان تا پیش از انقلاب صنعتی، کشور بر پایه ساختار جنسیتی جامعه استوار بود. در این گونه نظام‌ها جنسیت مذکر به خودی خود یک امتیاز محسوب می‌شود و مردان بر زنان برتری دارند. بازتاب این نظام در مواردی مانند حق ارث، جانشینی، قیمومیت و سرپرستی خانواده، نمود می‌یابد.<sup>[۲۵]</sup> برخلاف آنچه دژم‌خوی تلاش کرده نشان دهد، تورج دریایی می‌گوید، با زنان رفتاری جداگانه نباید داشت، چون آنان نیز جزئی از جامعه بودند و بر حسب طبقه‌ای که به آن تعلق داشتند، از همان حقوق و امتیازاتی که آیین زرتشت برای کل جامعه و هر طبقه در نظر می‌گرفت، برخوردار می‌شدند.<sup>[۲۶]</sup>

به نظر می‌رسد دوره ساسانی یک استثنا در سیر نزولی وضعیت زن در تمدن‌های جهان محسوب می‌شود. برای نمونه اگر در یونان و روم، وضعیت زن در میانه هزاره یکم میلادی به مراتب بدتر از وضعیت زن در یونان عصر کلاسیک بود، در ایران ساسانی، زنان در طول دوره ۴۳۰ ساله ساسانی رو به جلو بوده‌اند. برای نمونه در زمان پادشاهی شاپور یکم، دومین شاهنشاه ساسانی، برای نخستین بار در تاریخ ایران، پادشاه در سنگ‌نوشته رسمی‌اش به شهبانویس با نام اشاره دارد. کمی بعد در زمان بهرام دوم، برای نخستین بار در تاریخ ایران، شهبانو در سنگ‌نگاره رسمی، در کنار پادشاه حضور دارد. اندکی بعد شاهنشاه (نرسه) دیهیم شاهی خود را از دست یک زن می‌گیرد؛ و سپس در هنگام کودکی شاپور دوم، ملکه مادر، به همراهی بزرگان، فرمانروایی می‌کند.<sup>[۲۷]</sup>

روند صعودی وضعیت سیاسی زن در دوران ساسانی در سده پنجم میلادی ادامه دارد. آنجا که به هنگام شاهنشاهی پیروز و درگیری‌اش با برادر شورشی، مادر او شهبانو دینگ در تیسفون به نام خود به تنهایی مهر می‌زند.<sup>[۲۸]</sup> در همین زمان در خدای‌نامه که تاریخ رسمی کشور بود و تصویری از آن در شاهنامه‌های دوران اسلامی منعکس شد به پادشاهی زنی به نام «همای» در دوران کیان (کیانی) - نیاکان ساسانیان - اشاره می‌رود و این الگوسازی که به وضوح دست‌پخت ساسانیان بود، در دوران خسرو پرویز بیش‌تر خود را نمایان می‌کند. همسران او مریم و شیرین در سیاست دست بالا را داشتند و پس از خسرو پرویز، البته در هنگام نبود پسری از او - دخترش پوراندخت و پس از درگذشت او، خواهرش آذرمدخت به پادشاهی می‌رسد. این برای نخستین بار در تاریخ ایران است که زنان به صورت دائمی و رسمی به تخت نشستند.<sup>[۲۹]</sup> کوتاهی فرمانروایی به سبب مرگ طبیعی پوراندخت و درگیری شخصی خاندان فرخزاد با آذرمدخت از بخت و اقبال بود وگرنه از سوی جامعه پذیرفته شده بودند. این روند با فروپاشی دولت ساسانی، کاملاً عکس شد و سیر حرکت زنان، در ایران هم‌چونان دیگر تمدن‌ها، نزولی شد.<sup>[۳۰]</sup>

در سیر الملوک خواجه نصیرالدین توسی از زبان مزدک می‌خوانیم: «زنان را چون مال یکدیگر شناسید و هر که را به زنی رغبت افتد، با او گرد آید و رشک و حمیت در دین ما نیست تا هیچ‌کس از لذات و شهوات دنیاوی، بینصیب نباشد.» شاهنامه فردوسی نیز همین دیدگاه را به مزدک نسبت می‌دهد.<sup>[۳۱]</sup>

در فرهنگ مسیحی - یهودی زن که از دنده چپ مرد آفریده شده است به دلیل گناه نخستین حوا، نماینده شیطان است. این نگاه احتمالاً از نگاه تیره و تار فرهنگ باستانی میان‌رودان (آشور بابل) و حضور اهریمن‌زنانی چون تیامت گرفته شده است. استوره آفرینش زروانی<sup>[۳۲]</sup> خیلی دیر زیر تأثیر همین نگاه مسیحی - یهودی ساخته شد. در دین میترایی روم (معاصر با آغاز ساسانیان) زنان اصلاً پرستنده به شمار نمی‌رفتند و آنان را به مهرابه‌ها راه نبود.<sup>[۳۳]</sup> در دین مسیحیت (که در نیمه دوران ساسانی در غرب رسمی شد) حتی بر سر بشربودن و روح‌داشتن زن تا ۳۰۰ سال پیش، اختلاف بروز می‌کرد. پولس رسول، نخستین پیشوای مسیحیت در بارهی آموزش زنان می‌گوید: آدم فریب نخورد، بلکه از ناحیه زن فریب خورد. بگذارید زن با همه مشقت‌هایی که دارد،

سکوت را بیاموزد. من نمی‌توانم این را تحمل کنم که شاهد باشم زنی درس بخواند و بر شوهر خویش تسلط یابد.<sup>[۴۴]</sup>

این در شرایطی است که آتورپات (آذرباد) مارسپندان، موبدان موبد ساسانی در سده چهارم میلادی می‌گوید: زن و فرزند خود را از فراگیری دانش و هنر باز مدار تا غم و اندوه به تو راه نیابد و در آینده پشیمان نشوی.<sup>[۴۵]</sup> از این نظر به‌روشنی پیداست که فرهنگ رسمی و دولتی دوره ساسانی در نگاه به زن، به نسبت بهتر، انسانی‌تر و منصفانه‌تر از فرهنگ‌های همسایه تمدن زرتشتی در همان زمان بود و البته بسیار از این فرهنگ‌ها تأثیر پذیرفت.

دستانستان [ویرایش]

---

در بعضی مناطق زنان حایض موجب آلودگی و نجاست محیط به شمار می‌رفتند و دوران قاعدگی خود را به تنهایی در دخمه‌های مخصوصی می‌گذراندند و حق دست زدن به چیزی نداشتند چون تصور می‌شد آن را آلوده می‌کنند.